

# خبر جاهد

ماهنامه تخصصی جهادگران حوزوی / آبان ۱۴۰۱ شماره ۱۰

سخن نخست

## آن شب

عبدالحمید ابراهیمی نیا

آن موقعی که هنوز غسل و بیماریستان، ترند
طلبه‌های جهادی بود و شبها، حرم جمهوری اسلامی را در ICU پست می‌دادند، یک جوان رعنائی را آوردند که ۹۰ درصد درگیری ریه داشت؛ خودتان دینگر فرض کنید که چقدر دل آدم می‌گیرد و غصه‌دار می‌شود بابت این اتفاق تلخ. نمی‌دانم اما شاید کسی جز رفقای جهادی، برای بیمار ناشناس ختم صلوات و زیارت عاشورا نکیرد.

بگذریم؛ دست قضا که آن جوان رعنا را برد به جوار رحمت حق، تازه فهمیدیم که دست بر قضا از آن اصلاح‌طلب‌های دوآتشه بوده و چه بسیار مواضع رادیکالی هم که داشته. ولی خادم که برای خدمت پروتکل ندارد! برایش ختم قرآن هم می‌گیرد و مغفرت می‌خواهد از خدا، بارها هم جمله «درد و بلات بخوره تو سر آخوند!» را از زبان بیمار می‌شنود و می‌خندد و هیچ نمی‌گوید. به وقت اطلاع از خبر شهادت «اشیخ احمدرضا (هادی) عرفانی‌نیا» تمام قصه مرور شد برایمان. از شما چه پنهان که قطره اشکی و یک آه هم نصیب شد. فرض کن خادم و سرباز رسمی ملت ایران، شربت میلاد پیامبرﷺ ریخته توی لیوان برادران سنی و شیعه‌اش، آخر شب هم کام شیرین کرده به شهد شهادت در راه حفظ حرم و مقدسات. یک فشنگ، از دست جوان لجوجی که شاید سرسب با شربت «شیخ‌های» سیراب شده، فقط در جواب اعتراض به اینکه «چرا فحش می‌نویسی روی دیوار مردم…».

کلام معصوم

تمخّل

روایت شیرینی از امیرالمومنینؑ

عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَدْ فَرَضَ اللَّهُ التَّمَخُّلَ عَلَى الْأَنْبِيَاءِ فِي كِتَابِ اللَّهِ قَبْلَ وَ مَا التَّمَخُّلُ قَالَ إِذَا كَانَ وَجْهُكَ أَثَرُ عَنْ وَجْهِهِ التَّمَسُّتُ لَهُ وَ قَالَ ع فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ يُؤْتِيُونَ عَلِيًّا أَنفُسَهُمْ وَ لَوْ كَانَ بِهِمْ حَصَاصَةٌ

امام علیؑ:

همانا خداوند تمخّل را برای خوبان لازم کرد، از ایشان پرسیدند: تمخّل چیست؟ فرمودند: اگر کسی از تو کمک خواست، نامیدش نکنی. سپس افزود: در قرآن هست: (مؤمنان) ایثار می‌کنند اگر چه در سختی طاقت‌فرسا باشند.

[منبع: المؤمن، ص: ۴۵]

رهنمود

اگر ما نیز به اندازه توان خود در هدایت مردم تلاش و کوشش کنیم، آیا امکان دارد که مورد عنایت «عین الله الناظره» و امام زمان عجلتعالیه نباشیم؟! (حضرت آیت‌الله بهجت ره)



## جهاذگر شهيد؛

# خون بهای آبادی

گفت وگو

# پیروان علی علیه السلام و خدمت به همه

گفت‌وگوی «خط جهاد» با حجت‌الاسلام خادم محمدی معاون تبلیغ مدرسه علمیه شهرستان میناب

اشاره

علمای دین و طلاب حوزه‌های علمیه جهان تشیع همواره گره‌گشایی از کار مردم و خدمت‌رسانی به آنان را از وظایف و رسالت‌های خود دانسته و نسبت به آن اهتمام داشته و دارند. گستره این خدمات محدود به مذهب یا فرقه خاصی نبوده بلکه پیروان سایر ادیان و مذاهب نیز از این کمک‌ها بهره‌مند می‌شوند.

حجت‌الاسلام خادم محمدی از دانش‌آموختگان حوزه علمیه قم و معاون تبلیغ مدرسه علمیه شهرستان میناب استان هرمزگان یکی از هزاران طلبه‌ای است که در مناطق مشترک (شیعه و سنی) فعالیت جهادی دارد و گره‌گشایی از کارشان را از وظایف خود و سایر طلاب می‌داند.

وی در تبیین اهمیت فعالیت‌های جهادی طلاب به گفت‌وگو با پایگاه اطلاع‌رسانی جهادگران حوزوی نشست که مشروح آن در ادامه آمده است.

**ضمن عرض سلام و خدایوت، بفرمایید متولد کجایید و از چه سالی وارد حوزه شده‌اید؟**

سال ۱۳۴۹ در میناب به دنیا آمده و بعد از مقطع سیکل به مدرسه علمیه میناب و پس از یک سال به مدرسه بعثت قم رفتم و تا سال ۶۵ و عملیات کربلای چهار و پنج در آنجا تحصیلاتم را ادامه دادم.

در عملیات کربلای ۵ شیمیایی شدم و تحصیلات حوزوی‌ام را در حوزه علمیه النبی صلی الله علیه و آله بندرعباس ادامه دادم.

**فعالیت‌های جهادی را از چه زمانی آغاز کردید؟**

فعالیت‌های جهادی ما به نحوی از اولین اعزام به جبهه در سال ۶۲ آغاز شد.

**اسم گروه جهادی شما چیست و چند عضو دارد؟**

گروه ۲۸ نفره ما با عنوان امام علی صلی الله علیه و آله از مبلغین مستقر در روستاها تشکیل شده است.

**گستره جغرافیایی و عرصه‌های خدمت‌رسانی گروه جهادی امام علی علیه السلام چیست؟**

در کنار فعالیت‌های تبلیغی و بیشتر در ایام تعطیل، به فعالیت‌های خدماتی و عمرانی می‌پردازیم به عنوان مثال از اول کرونا در بیمارستان‌ها حضور پیدا کرده و در

کمک‌رسانی به پرسنل درمان و بیماران مشارکت داشتیم. اموات مبتلا به کرونا که بیشتر با تیمم دفن می‌شدند به همت برخی طلاب جهادی میناب غسل داده شدند.

ارائه مشاوره در بیمارستان‌ها در کنار کمک به پرسنل درمان و بیماران از دیگر فعالیت‌های گروه جهادی امام علی صلی الله علیه و آله بود. طی شش سال فعالیت گروه، در حوادث طبیعی و بحران‌هایی همچون سیل و زلزله نیز به کمک‌رسانی به آسیب دیدگان مشغول بوده است. یکی از خدمات این گروه دایر کردن نانوائی سیار است.

در زلزله اخیر روستاهای منطقه سایه خوش استان هرمزگان طلاب جهادگر از اولین گروه‌هایی بودند که در منطقه حاضر شدند؛ گروه جهادی امام علی صلی الله علیه و آله نیز یکی از این گروه‌ها بود.

**انگیزه اصلی شما برای فعالیت‌های جهادی چیست؟**

همان انگیزه‌ای که در دوران دفاع مقدس وجود داشت. اساسا جهاد فقط در میدان رزم خلاصه نمی‌شود بلکه یکی از مصادیق مهم آن کمک به محرومین، فقرا و نیازمندان است.

**استان هرمزگان از مناطق مشترک است؛ چه فعالیت‌هایی در راستای تحکیم وحدت بین فرق اسلامی در این منطقه داشته‌اید؟**

منطقه سایه‌خوش به‌طور کامل سنی‌نشین است. در پی زلزله‌ی اخیر، طلاب حوزه‌های شیعی از اولین گروه‌های حاضر شده در منطقه بودند.

خبرنگاری از من پرسید که چرا شما به این منطقه سنی‌نشین آمده‌اید؟ گفتم پیوند میان شیعیان و اهل سنت استان هرمزگان

پیوندی عمیق و با سابقه طولانی است. ما آنان را برادران خود دانسته و برای کمک کردن آمده‌ایم. آنان نیز در فعالیت‌های ما مشارکت کرده و کمک می‌دهند.

این اخوت در پی زلزله‌ای که رخ داد، عینیت پیدا کرده و به همه نشان داده شد؛ جهادگران در بنای منازل برای محرومان، فرقی بین شیعه و سنی قائل نبودند.

**فعالیت‌های جهادی چه تأثیری بر رشد علمی-اخلاقی طلاب دارد؟**

برنامه‌های جهادی حوزه‌های علمیه، مکمل برنامه‌های تحصیلی و تهذیبی طلاب است؛ یکی از آن جاهایی که تهذیب طلاب منجلی می‌شود، فعالیت آنها در گروه‌های جهادی است. وقتی کسی در قالب گروه‌های

جهادی به کمک محرومین می‌رود و به فعالیت‌های آموزشی و فرهنگی می‌پردازد و هم فعالیت‌های سازندگی و کمک‌رسانی را عملیاتی می‌کند، این مصداق زکات علم و نمود تهذیب نفس اوست.

ما به نحوی برنامه‌ریزی می‌کنیم که فعالیت جهادی طلاب گروهمان بیشتر در تعطیلات و اوقات فراغت باشد تا از تعطیلی کلاس‌های درسی جلوگیری کنیم.

در زمان دفاع مقدس نیز مدرسه را به داخل مناطق عملیاتی بردیم؛ مدیر مدرسه علمیه النبی صلی الله علیه و آله بندرعباس در آن دوران هنوز مفقودالاثراست.

ما بعد از نماز صبح کلاس‌ها را برگزار می‌کردیم و پس از آن به کارهای رزمی و تبلیغی در دل گردان رزمی می‌پرداختیم. این تجربه در اردوهای جهادی نیز قابل اجراس‌ت؛ مثلا طلاب همراه با اساتید خودشان به منطقه‌ای اعزام شوند و در آن‌جا هم کلاس‌ها را برگزار نمایند و هم به خدمت‌رسانی بپردازند.

یکی از دستاوردهای حضور طلاب در اردوهای جهادی ارتباط بیشتر طلاب با مردم و آشنایی ایشان با نیازهای جامعه است که تأثیر بسزایی در انگیزه‌های علمی آن‌ها نیز خواهد داشت.

**به نظر شما چه موانعی بر سر راه فعالیت‌های جهادی طلاب و حوزویان وجود دارد؟**

از جهت مادی و مالی متأسفانه حمایت‌های لازم از گروه‌های جهادی طلاب نمی‌شود؛ در یکی از اردوهای جهادی خودروی ما دچار سانحه تصادف شد و بعضی از اعضای گروه دچار آسیب شدند؛ اما هیچ مسئولی در این رابطه با ما ارتباط برقرار نکرد و پیگیر مشکلات ما نشد.

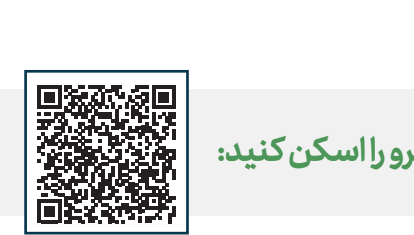
**از تجربیات مهم خود در حین فعالیت‌های جهادی اگر خاطره‌ای را به یاد دارید، بیان فرمایید.**

در زلزله سایه خوش اولین جایی که برای خاک برداری و پاک سازی آن رفتیم مسجد جامع سایه خوش بود. امام جمعه این شهر که از اهل تسنن هستند از این کار ما بسیار خرسند شده و در مصاحبه با خبرنگاران تشکر ویژه کردند.

خانواده‌ای را به یاد دارم که مشکل خاصی داشتند و با دیدن طلبه‌های جهادی و قابل اعتماد دانستن ایشان، تقاضای خود را مطرح نمودند و به این ترتیب مسئله‌شان حل شد.

وقتی مردم دچار بحران شوند و اولین کسی که به داد آن‌ها می‌رسد یک طلبه باشد، قطعاً حوزه‌های علمیه بیشتر در دل مردم جای می‌گیرد.

متن کامل گفتگو را در پایگاه اطلاع‌رسانی جهادگران حوزوی بخوانید.



📍 ارتباط با ما

ماهنامه خط جهاد؛ نشریه تخصصی جهادگران حوزوی   سال اول   ماه دهم   شماره ۱۰	📧 khatejahad	✉ @khatejahad_admin
صاحب امتیاز: دبیرخانه هماهنگی گروه‌های جهادی حوزه‌های علمیه کشور	🌐 www.jahadgaranhowzavi.com/mag	
مدیر مسئول: ابوالفضل علیخانی   سردبیر: روح الله جلالوند   مدیر هنری: عبدالحمید ابراهیمی نیا	☎ ۰۲۰-۳۲۹۴۲۱۱	📠 khatejahad.mag@gmail.com
نویسندگان: روح‌الله جلالوند، عبدالحمید ابراهیمی‌نیا، مسلم عارف   سایت: مصطفی عربی		

هم سفره مهمان خدا

وَ الْبُذْنَ جَعَلْنَاهَا لَكُمْ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ لَكُمْ فِيهَا خَيْرٌ فَاذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهَا صَوَافَّ فَإِذَا وَ شَهْرَتَهَا فَرِحَهِ رَ (در مراسم حج) برای شما از شعائر الهی قرار دادیم؛ در آنها برای شما برکت است؛ نام خدا را در حالی که به صف ایستاده‌اند بر آنها ببرید؛ و

وَجَبَّتْ جُنُوبُهَا فَلَكَوْا مِنْهَا وَ اطْعَمُوا الْقَانِعَ وَ الْمُعْتَرَّ كَذَلِكَ سَخَّرْنَاهَا لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿۳۶﴾

هنگامی که جان دادند، از گوشتشان بخورید و مستمندان قانع و فقیران را از آن اطعم کنید این گونه ما آنها را مسخّرتان ساختیم، تا شکر خدا را بجا آورید(۳۶)

سوره مبارکه حج آیه ۳۶

گفت وگو

## شیخ هادی

گفت‌وگوی نشریه خط جهاد با جناب آقای راستگو؛ دوست شهید امنیت‌شیخ احمدرضا(هادی) عرفانی‌نیا

افتاده است. منظور اینکه با شهادت بیگانه نبود. حسرت خوردن‌های او را هنگام یاد کردن از رفقای شهیدش، باید از دوستانی که با او در کردستان بوده‌اند جویا شد.

**در بین کارها و عرصه‌های جهادی، به کدامیک بیشتر علاقه‌مند بود؟**

شهید در خیلی از عرصه‌ها فعالیت داشته ولی به «سرزدن به فقرا در مناطق محروم» خیلی علاقه داشت.

**ویژگی طلبگی شهید «شیخ‌های» چه بود؟**

شیخ هادی به همان مقدار که از درس حوزه می‌خواند در عمل پایبند بود و عمل می‌کرد. مخلصانه و لوجه الله و بدون توقع و چشم‌داشت، خودش را وقف دین و جامعه و مردم کرده بود. از هیچ کوششی دریغ نمی‌کرد. یقینا اگر طلاب چنین باشند مردم دو چندان عاشق اسلام و روحانیت و نظام مقدس اسلامی خواهند شد.

حقیق معتقدم که کالبد تن توانایی و ظرفیت همراهی این حجم از کارهای بی‌وقفه‌ی شیخ هادی را نداشت؛ به اندازه توان و ظرف وجودی خود هرکاری را که می‌توانست برای خدا انجام می‌داد، لذا لایق شهادت شد تا از این کالبد محدود تن جدا شود و با روح بزرگش بیش از پیش‌وانمحدودگره‌گشایی‌کند.



دفن پیکر پاک شهید در گلزار شهدای بیرم



اقامه نماز در قالی شویی جهادی



قالی شویی جهادی برای فرش‌های سیل‌زدگان



همکاری در ساخت سالن شهدای گننام

ادبستان

شیر و روباه

ملا احمد نراقی؛ مثنوی طاق‌دیس

هر دو گوش من بر آواز خلیل جان نشانان را همی گشته دلیل
«هر زمانی عید قربان شما هر زمینی بنگری باشد منا هر سر خاری که بینی خنجر است هر سر کویی منا و مشعر است تیغها بنگر در آنجا آخته روبه‌بان بر شیرمردان تاخته گر سری دارید پا در ره نپدید بلکه از غمهای دوران وارheid گر بمانم زنده ما عشق دوست وزنه جان ما فدای راه دوست من کنون رفتم خدا یار شما عشق خوبان روز و شب کار شما»

یا حتی پولی پرداخت کند. این آشنایی، فقط چند روز دوام آورد. کمتر از عمر یک پروانه و نزدیک به مدت طلبگی‌اش. شهادت مهدی، روبروی یک مسجد و در حال دفاع عملی و اعتقادی از قانون خدا و حکومت خدا، شاید بزرگ‌ترین تلنگر برای همه‌ی ما بود. تلنگری به سان یک ضربه‌ی هولناک که جاماندگی‌هایمان را روشن ساخت. ما در آن حجره، یک سال تمام زندگی کردیم و در جازدیم اما مهدی در کوتاه‌ترین زمان، بال‌های پروازش را در آن بافت. ما زیر آن کتیبه‌ی سلام، یک سال صبح آشنایی‌مان اما آن لحظه‌ای دمید که با تلاش زیادی شمارهام را پیدا کرد تا بابت هزینه‌ی رنگ اتاق و آن کتیبه، حلالیت بگیرد و حیرت‌زده‌ی ما، پرگشود.

بامداد ماجرا از آن گاه پهن شد که دیوارهای پر از لکه و سیاهی حجره‌ی ۲۵ را سه نفری، رنگ زدیم. با هم، یک کتیبه‌ی سرخ‌فام سلام بر اهل بیت در هم خریدیم و به دیواری که حالا از سفیدی برق می‌زد کوبیدیم. کتیبه‌ای که بعدها سر از یک هیئت کوچک طلبگی در آورد. خورشید مهدی زاهدلویی، از ساعتی طلوع کرد که یک سال گذشته بود و ما از آن حجره و مدرسه رفته بودیم. در نهایت، مهدی و دو نفر دیگر، مالک حجره‌ی ۲۵ شدند.

صبح آشنایی‌مان اما آن لحظه‌ای دمید که با تلاش زیادی شمارهام را پیدا کرد تا بابت هزینه‌ی رنگ اتاق و آن کتیبه، حلالیت بگیرد و